

راهکارهای استحکام خانواده

حجت الاسلام والمسلمین علی اکبر بابازاده*

اشاره

«فطرت» انسان، بر اساس «صفا و صداقت» و «عشق و محبت» نهاده شده و تمام انحراف‌های رفتاری و بزهکاری‌های اجتماعی و خانوادگی، از هوای نفس و وسوسه‌های شیاطین انسان‌نما، ریشه می‌گیرد.

کانون خانواده که مقدس‌ترین کانون اجتماعی است و زن و شوهر ستون اصلی آن به شمار می‌آیند، باید با تمام هوشیاری و تمسک به دستورات دینی و عوامل بنیانی و استحکامی خانواده، از هر گونه تزلزل و نگرانی‌ها جلوگیری نموده، صفا و صمیمیت و عشق و محبت را دو چندان نماید.

اگر زندگی مشترک حضرت «علی و فاطمه» علیهما السلام را سرمشق خود قرار دهیم و به سخن ارزشمند مولا توجه نماییم، خانواده مطلوب خواهیم داشت:

«سوگند به خدا! هرگز همسر مرا به خشم نیاوردم، او را به انجام کاری مجبور نساختم، او نیز مرا به خشم نیاورد، نافرمانی ننمود؛ بلکه هر گاه کنار یکدیگر می‌نشستیم، تمام غم‌ها و غصه‌هایم برطرف می‌شد.»^۱

در این صورت، زندگی مشترک ما، زندگی بهشتی و پر از صفا و محبت خواهد بود. در چنین کانونی، آشفستگی و خستگی وجود نخواهد داشت؛ بلکه برکات و رحمت الهی در این فضای مقدس مستقر می‌گردد و سکون و - به گفته قرآن - دل‌های نازنین خانواده را آرامش فرا می‌گیرد.^۲

* دانش‌آموخته حوزه علمیه و پژوهشگر.

۱. مجلسی، محمدباقر، بحار الأنوار، ج ۴۳، ص ۱۳۴.

۲. «وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً...» (روم، آیه ۲۱)

برای رسیدن به چنین فضایی، لازم است عواملی را مورد توجه قرار داده، به عنوان راهکار از آن‌ها بهره بگیریم، تا زندگی ایده‌آل و سعادت‌مندانه داشته باشیم. در این نوشتار، به بخشی از آن عوامل اشاره می‌گردد:

۱. انتخاب عاقلانه

نقش همسر در زندگی، تعیین‌کننده است. در حقیقت، سنگ بنای خوشبختی و یا بدبختی، با انتخاب وی شروع می‌گردد. از این رو، در اسلام دستورات ویژه‌ای در این زمینه صادر شده است.

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: «هر گاه قصد ازدواج کردید، نخست دو رکعت نماز بخوانید و برای رسیدن به زوج مناسب دعا کنید و در دعایتان بخواهید: خداوند همسر واجد شرایط عنایت نماید.»^۱

امام صادق علیه السلام همچنین در اهمیت‌ت‌گ‌زینش همسر شایسته می‌فرماید: «بنگر چه کسی را برای شریک زندگی بر می‌گزینی؟ و جان و مال و حیثیت خود را در اختیار او می‌گذاری؟^۲ و در واقع، با این‌گ‌زینش، خویشان را در قید و بند او در می‌آوری.»^۳

رسول خدا صلی الله علیه و آله نیز می‌فرماید: «در انتخاب همسر هوشیار باشید؛ حتی خواهران و برادران وی را نیز در نظر بگیرید؛ زیرا زنان شبیه برادران و خواهران خویش را به دنیا می‌آورند.»^۴

حضرت امام رضا علیه السلام نیز درباره‌گ‌زینش داماد می‌فرماید: «اگر کسی بد اخلاق بود، به او جواب مثبت ندهید.»^۵

از همه مهم‌تر این‌که، قرآن مجید در انتخاب عروس و داماد «صالح»، سفارش می‌نماید،^۶ تا بدین وسیله بفهماند که در انتخاب همسر، «عاقلانه» بیندیشید، از

۱. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷۹.

۲. همان، ص ۱۴.

۳. همان، ص ۱۷؛ کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۳۲.

۴. متقی هندی، کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۹۵، ح ۴۴۵۵۷.

۵. «لَا تُزَوِّجُهُ إِنْ كَانَ سَبِيَّ الْخَلْقِ.» (مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۳۸)

۶. «وَأَنْكِحُوا الْأَيَامَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ وَإِمَائِكُمْ...» (نور، آیه ۳۲)

سطحی‌نگری و هوس زودگذر دوری کنید و فریب جلوه‌گری‌ها و خودنمایی‌ها را نخورید.

بایسته‌های انتخاب عاقلانه

الف. ظرافت در خواستگاری

اگرچه نگاه کردن زن و مرد نامحرم به همدیگر به قصد کامجویی، حرام است^۱ و این‌گونه نگاه‌ها به «زنای چشم» تعبیر گردیده^۲، ولی نگاه ظریف و دقیق در انتخاب همسر، نه تنها گناه نیست، بلکه از دستورات مؤکد اسلام است.

دختر و پسری که قصد ازدواج دارند، باید یکدیگر را کاملاً بشناسند و تحت تأثیر هوس‌های زودگذر قرار نگیرند. اهداف و مقاصد درونی خویش را به همدیگر تفهیم، و زوایای خصوصی زندگی یکدیگر را بررسی کنند. در چنین مواقعی، مرد می‌تواند حتی از وضعیت جسمی و خصوصی و ناپیدای خانم شناخت پیدا کند.

در احادیث آمده است: اگر خواستگاری جدی است و داماد، عروس را نمی‌شناسد، داماد حق دارد از کیفیت موی سر و جمال عروس خانم تحقیق بیشتری بنماید^۳ و در صورت نیاز و ضرورت، بخشی از موها و سایر محاسن اندامش را ببیند؛^۴ حتی به خانواده عروس سفارش شده: عروس خانم در این لحظات، لباس ظریف به تن کند، تا داماد همسر آینده‌اش را راحت‌تر ببیند.^۵ اگر چنین دستوراتی با فرهنگ و مذاق برخی خانواده‌ها مناسب نباشد، می‌توانند با «عقد موقت» برای گفتگو و دیدار محدود، به توافق برسند.

ب. شخصیت فکری و فرهنگی همسر

شخصیت فکری و فرهنگی و اصالت خانواده‌ها، در خوشبختی عروس و دامادها بسیار تأثیرگذار است. بنابراین، زوج‌های جوان، بیش از سایر مسائل، باید به این

۱. «قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ... لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ.» (نور، آیه ۳۰ و ۳۱)

۲. حرّ عاملی، وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۳۸.

۳. همان، ص ۳۷، ح ۳.

۴. الکافی، ج ۵، ص ۳۶۵.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۶۱، ح ۱۱.

ویژگی‌ها توجه داشته باشند که لذت زندگی مشترک، به فرهنگ و شخصیت فکری و علمی عروس و داماد بستگی دارد.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: «حیات واقعی اسلام و ستون اصلی دین، علم و فرهنگ است.»^۱

امام علی علیه السلام نیز می‌فرماید: «اصالت در زندگی، در سایه علم و فرهنگ حاصل شدنی است.»^۲

از این فرازا استفاده می‌کنیم که اصالت فرهنگی خانواده‌ها و شخصیت فکری و فرهنگی عروس و داماد، در انتخاب همسر تعیین‌کننده است. از این رو، پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید: فقط به زیبایی چهره توجه نکنید؛ بلکه اصالت‌های فرهنگی را بررسی نمایید.^۳ همچنین علی علیه السلام در انتخاب همسر خوب می‌فرماید: بهترین همسر برای شما، انسان با فرهنگی است که آرام‌بخش بوده، حُسن برخورد داشته باشد.^۴

آری، نتیجه همه این بحث‌ها، یک جمله است و آن این‌که: «تمام زیبایی‌های زندگی اجتماعی و خانوادگی، در زیبایی فرهنگ و کلام خلاصه می‌شود.»^۵ جا دارد پدران و مادران عروس و داماد و فرهنگ‌سازان کشور، به‌ویژه رسانه‌های ملی در این زمینه فعالیت‌های لازم را انجام دهند. خود جوانان نیز با آگاهی لازم و مطالعه کافی، تمرین اخلاقی و فکری، به زندگی مشترک وارد شوند، تا از نابسامانی مصون بمانند.

۲. ازدواج در سنین مناسب

آفریدگار انسان، خدا است و تنها او است که به زوایای درونی ما آگاه است و مصالح ما را می‌طلبد و فرمان می‌دهد که چگونه زندگی نماییم.

خدا خود را ۹۷ بار «حکیم» و ۱۶۱ بار «علیم» نامیده، تا پیروان ادیان آسمانی بدانند که یگانه راه سعادت و خوشبختی، پیروی از دین و سنت انبیا و اولیا است.

۱. کنز العمال، ج ۱۰، ص ۱۳۲.

۲. غرر الحکم، ش ح ۱۸۵.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۹.

۴. همان، ص ۱۵.

۵. ابن شعبه حرانی، تحف العقول، ص ۲۷.

قرآن دستور می‌دهد که در کارهای نیک، پیشگام باشید^۱ و در اموری که موجب رستگاری و ترک گناه است، بر یکدیگر پیشی گیرید.^۲ بی‌تردید، «ازدواج» از شاخص‌ترین کارهای نیک است. به همین جهت، رسول خدا ﷺ می‌فرماید: ارزش و قداست هیچ چیز در پیشگاه خدا، به اندازه ازدواج نیست.^۳

بنابراین، وظیفه داریم در امر ازدواج پیشگام و در تسریع و ترویج آن کوشا باشیم.

نکات مهم در خصوص سن ازدواج

الف. سن مناسب ازدواج

سن ازدواج دختر و پسر در مناطق گرم و سرد، خانواده‌های مختلف، با زمینه‌های گوناگون فکری، فرهنگی، شهری و روستایی، متفاوت است. نگاه اسلامی این است که خانواده‌ها وظیفه دارند بچه‌های خویش را خوب تربیت کنند، محیط زندگی و تربیتی را سالم نگه دارند و در اولین فرصت ممکن، آنان را به زندگی مشترک هدایت نمایند.

متأسفانه، در عصر ما، عده‌ای با گرایش به فرهنگ غرب، سن ازدواج را افزایش داده و می‌گویند: ازدواج‌های دوران جوانی، ماندگار نیست؛ بلکه دختر و پسر باید به ادامه تحصیل بپردازند، کار و شغل مناسب پیدا کنند، تجربه زندگی داشته باشند و آن وقت ازدواج نمایند! این چنین ازدواجی، موفق می‌باشد.

ب. بررسی و تحلیل نظرها

نتیجه نگاه غرب، این است که جوانان دوران پر نشاط و توان‌گریزی جنسی را در فضای آزاد از دست داده، در مقطع بی‌نشاطی و فروکش جنسی به تشکیل خانواده بپردازند. در این صورت، شور و شوق زندگی، محبت و صفای خانوادگی کم‌رنگ خواهد بود و نتیجه آن، ازدواج‌های ناموفق و افزایش طلاق خواهد بود.

۱. بقره، آیه ۱۴۸.

۲. حدید، آیه ۲۱.

۳. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۲۸.

پیامبر اعظم ﷺ با الهام از آیه ۷۳ سوره انفال^۱ می‌فرماید: تأخیر و کوتاهی در تشکیل خانواده، موجب فتنه و فساد و گسترش فحشا بر روی زمین است^۲ و در فراز دیگر می‌فرماید: ازدواج، موجب کم شدن نیمی از فسادها و گناهان می‌گردد.^۳

حضرت آیت‌الله خامنه‌ای در توصیه‌های خویش به زوج‌های جوان می‌فرماید:

«جوان‌ها سعی کنند در سنین مناسب، همان دوران جوانی که از حال گرمی و شور و شوق خارج نشده‌اند، ازدواج کنند و ازدواج در این دوران، ماندگارتر است و زن و شوهر با صفا و صمیمیت زندگی می‌نمایند. در جوامع غربی، جوان‌ها دوره نشاط خویش را آزادانه می‌گذرانند. وقتی به خانواده می‌رسند که غرایز آنان فرو نشسته و... ملاحظه می‌کنید که در غرب زندگی خانوادگی، این طوری طلاق‌ها زیاد! ازدواج‌ها ناموفق! مردها و زن‌ها بی‌وفا! تخطی‌های جنسی فراوان! غیرت کم!»^۴

دیدگاه اسلام درباره سن ازدواج

همان طوری که در آغاز بحث اشاره شد، خداوند در قرآن و از طریق مرئیان معصوم دستور داده است: در اولین فرصت و در اوان بلوغ، جوانان را به تزویج ترغیب و تشویق کنید^۵ و زمینه ازدواج آنان، به‌ویژه دختران را زودتر فراهم نمایید.^۶ رسول خدا ﷺ می‌فرماید: هر جوانی در آغاز بلوغ ازدواج نماید، شیطان از دست او فریاد می‌کشد: وای بر من! این جوان کم سن، دو ثلث دینش را از من حفظ کرد! فقط در باقیمانده آن باید نقشه‌ای کشید!^۷

۱. «إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ».

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۳۲۹.

۴. حسینی خامنه‌ای، سیدعلی، بروید با هم بسازید، ص ۶ و ۲۲.

۵. نور، آیه ۳۲.

۶. اخبار نیم‌روز سراسری، مورخ ۱۳۹۱/۶/۴: طبق آمار کشور، بیشترین ازدواج‌های سال، برای دختران بین سنین ۱۵ تا ۱۹ بوده است.

۷. بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۲۱.

حضرت در فلسفه این توصیه فرمود: ای پدران و مادران! فرزندان خویش را به ازدواج وا دارید، در این صورت، هم اخلاق آنان سالم می‌ماند، هم با تلاش و مسئولیت‌پذیری روزی‌شان زیاد می‌شود و هم ارزش و حیثیت اجتماعی‌شان بالا می‌رود.^۱

آن‌گاه به پدران و مادران هشدار می‌دهد که: از خوشبختی پدر این است که چنان تدبیر نماید که دخترش زودتر شوهر کند و در دوران مجردی، عادت ماهانه نبیند!^۲ سپس این پیام را در یک فراخوانی عمومی، ابلاغ کرد:

ای مردم جهان و ای مسلمانان! لحظه‌ای پیش پیک وحی فرا رسید. یک پیام حسّاس را ابلاغ نمود و گفت: دختران و دوشیزگان، همانند میوه‌های خوش‌طعم درختان‌اند؛ اگر به موقع چیده نشوند و استفاده نگردند، هوای گرم آفتاب آن‌ها را فاسد می‌کند و باد و هوا آن‌ها را به زمین می‌اندازد. دختران نیز چون به سن بلوغ می‌رسند، نیاز به شوهر دارند و هیچ جایگزینی، جز شوهر ندارند؛ و گرنه گرفتار فساد و فحشا می‌شوند؛ زیرا آنان نیز بشرند و نیازمند ازدواج.^۳

۳. نظم و برنامه‌ریزی

یکی از عوامل مؤثر در استحکام خانواده، «نظم و برنامه‌ریزی» است. زن و مرد، هر کدام وظیفه دارند که جایگاه طبیعی و حقوقی خویش را بشناسند و مطابق آن، برنامه‌ریزی نمایند و همچون «علی و فاطمه» علیهما السلام با کمال عشق و صفا زندگی کنند و باور نمایند که خانواده، بدون رعایت ارزش‌های رفتاری و حقوقی، محکوم به تباهی می‌باشد. در آیات نیز به نظام خانواده اشاره شده است.^۴ از این رو، «علی و فاطمه» علیهما السلام به خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسیدند و درخواست برنامه زندگی و تعیین تکلیف نمودند. حضرت می‌فرماید: شوهر وظیفه دارد کارهای بیرون خانه را به عهده بگیرد و زن نیز موظف است امور داخلی خانه را اداره نماید.^۵

۱. همان، ص ۲۲۲.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۱.

۳. همان، ص ۳۹.

۴. نساء، آیه ۳۴.

۵. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

در سخن دیگر، برای تحکیم خانواده و جلوگیری از هر گونه تنش و گفتگوهای زیان‌آور، دستور می‌دهند: تصمیم نهایی بر عهدهٔ مرد است و نگاه عاقلانه او، فصل الخطاب می‌باشد.^۱

سرپرست خانواده

اگرچه «خانواده» کوچک‌ترین واحد اجتماعی است، ولی از نظر ارزشی و تأثیرگذاری در جامعه، از اهمیت خاص برخوردار است. به این جهت، برای پیشبرد و پیشرفت آن، وجود مدیر و سرپرست ضرورت دارد.

رسول خدا ﷺ می‌فرماید: هر اجتماعی، «مدیر» و «سرپرست» لازم دارد؛ حتی در سفر نیز، چنانچه تعداد مسافران به سه نفر برسند، حتماً از میان آنان یکی را سرپرست قرار دهید.^۲

در این جا این سؤال مطرح است: «سرپرست چه کسی باشد؟» زن یا مرد؟ یا زن و مرد به صورت مشترک؟

گزینهٔ سوّم که: زن و مرد هر دو مدیریت نمایند، مطرود است؛ زیرا در بحث مدیریت ثابت شده «مدیریت مشترک» و یا «مدیریت متناوب»، نتیجه مطلوب نمی‌دهد. اختلاف سلیقه، هرج و مرج، گریز از مسئولیت‌پذیری و متهم کردن همدیگر، از جمله پیامدهای چنین مدیریتی به شمار می‌آیند.^۳

گزینهٔ اوّل نیز که زن سرپرست و مدیر خانواده باشد، با طبیعت ظریف و لطیف خانم‌ها همخوانی ندارد. علی علیه السلام در مورد حقوق زنان می‌فرماید: زن که مرد میدان و قهرمان نیست؛ بلکه او گل خوشبو و ریحان است. کارهای سنگین را برای او تحمیل نکنید؛ در آن صورت، زود می‌شکند و نه به درد خودش می‌خورد، نه به درد شما.^۴

از طرف دیگر، روحیهٔ زنان و احساسات آنان نشان می‌دهد که «زن» علاقه دارد تحت نظر دیگری اداره شود و از «مرئوس» بودن بیشتر خوشش می‌آید.^۵ در این مورد،

۱. همان، ص ۱۴، ج ۲.

۲. کنز العمال، ج ۶، ص ۷۱۷.

۳. قرآن مجید، به طور کلی، اشتراک در مدیریت را صحیح نمی‌داند. (انبیاء، آیه ۲۲؛ مؤمنون، آیه ۹۱)

۴. بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۳.

۵. مطهری، مرتضی، نظام حقوق زن، ص ۱۸۳.

مطالعه زندگی حیوانات نر و ماده، حاکی است که حیوانات ماده به حیوانات نر احترام می‌گذارند و تابع قوی‌ترین آن‌ها می‌گردند و شبیه زن و شوهر زندگی می‌کنند.^۱ بنابراین، سرپرستی زنان در خانواده، زیانبار است. پس تنها گزینه‌ای که با سرپرستی او موافقت گردیده، گزینه دوم، یعنی «مدیریت مرد» است؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: مرد، سرپرست و خدمتگزار زن است؛ به جهت برتری و مزایایی که خداوند در وجود او قرار داده و نیز از این جهت که تهیه هزینه زندگی خانواده، بر عهده او است.^۲ در این آیه، به دو جهت اشاره شده است؛ ۱. مردها در خدمت‌رسانی و مدیریت خانواده و اجتماع، قوی‌تر از زنان هستند. ۲. مرد از نظر اقتصادی، مسئول اداره خانه است.

شایسته‌سالاری مرد و زن در خانواده

در آیین اسلام، «مردسالاری» و یا «زن‌سالاری» نفی شده است؛ بلکه زندگی بهشتی، با الهام از دو کلمه: «وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ»^۳ توصیه گردیده و حقوق برابر زن و مرد به رسمیت شناخته شده است^۴ و در نهایت، «کانون عشق و صفا» و رسیدن به سکون و آرامش در سایه «رفاقت و مودت» تضمین گردیده است.^۵ ولی زنان و فرزندان وظیفه دارند که جایگاه مدیریتی «مرد خانه» را بپذیرند و دستورات عاقلانه او را اجرا نمایند؛ چنان‌که قرآن می‌فرماید: «وَلِلرِّجَالِ عَلَیْهِنَّ دَرَجَةٌ»^۶ مردان بر زنان از این جهت امتیازاتی دارند.

۴. تقوا و تعهد دینی

از دیگر مؤلفه‌های اساسی در استحکام خانواده، «تقوا و تعهد» است. این صفت، نه تنها عامل بازدارنده از بدی‌ها است، بلکه موجب صفا و صمیمیت می‌گردد.

۱. حقوق زن در اسلام و اروپا، ص ۱۱۳.

۲. نساء، آیه ۳۴.

۳. نساء، آیه ۱۹.

۴. بقره، آیه ۲۲۸.

۵. روم، آیه ۲۱.

۶. بقره، آیه ۲۲۸.

خانواده‌هایی که در گذشته و حال، شئون اسلامی را رعایت کرده و می‌کنند، غالباً خانواده‌هایی با استحکام‌تر هستند.

زنان و مردان متمکن و پولدار، چنانچه فاقد تقوا و تعهد باشند، مال و ثروت خود را به رخ همسر می‌کشند و روح و روان او را آزار می‌دهند. همچنین همسران زیبا، اگر بهره دینی و پاکی نداشته باشند، بدون تردید، در کمین صیادان منحرف و عیاشان هوسباز قرار می‌گیرند و نظام مقدس خانواده را لکه‌دار می‌سازند.

به این جهت، اسلام دستور می‌دهد: در گزینش همسر، تنها «جمال و مال» را در نظر نگیرید؛ بلکه دیانت و تعهد او را بیشتر ملاحظه نظر قرار دهید^۱ و هشدار می‌دهد: هر کس دختری را تنها برای زیبایی‌اش بگیرد، گرفتار عوارض تلخ زیبایی او می‌گردد.^۲

شوهر امین و متعهد

زن و شوهر، دو انسان متفاوت هستند که با دو فرهنگ مختلف به هم می‌رسند. چون سرپرستی خانواده در اختیار مرد است، بدون تردید، نظر او حاکم تلقی می‌گردد. با این فرض، چنانچه او تقوای لازم را نداشته باشد، گرفتار غرور گردیده و حقوق همسرش را تزییع می‌نماید. به این جهت، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «زن» را امانت خدا معرفی نموده و می‌فرماید:

ای مردم! زنان امانت خدا در اختیار مردان هستند. پس حقوق آنان را مراعات نمایید.^۳

آن حضرت در شب عروسی حضرت فاطمه علیها السلام خطاب به امیر مؤمنان علیه السلام فرمود: ای علی! فاطمه‌ام امانت خدا در پیش تو است. از او خوب نگهداری کن. علی علیه السلام نیز متقابلاً، به هنگام تدفین آن حضرت علیها السلام، خطاب به رسول اکرم صلی الله علیه و آله عرض کرد: امانت را بر می‌گردانم؛ ولی خیلی محزون و دلگیرم.^۴

از این رو، صفت «امانت و تعهد» در شوهر، بسیار ارزشمند بوده، موجب استحکام خانواده می‌گردد. پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله چنین اوصافی را شرط پذیرش داماد می‌داند:

۱. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۳۳۳.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۲.

۳. سنن بیهقی، ج ۷، ص ۳۴۰.

۴. نهج البلاغه، خطبه ۱۹۳، ص ۶۵۲.

اگر خواستگار دخترتان دارای «دین و امانت» بود، بپذیرید.^۱
امام حسن علیه السلام نیز در پاسخ سؤال پدری که گفت: «دخترم را به کدام خواستگارش تزویج کنم؟» فرمودند: به داماد با تقوا دهید؛ اگر دوست بدارد، محبت می‌کند و چنانچه دوست نداشته باشد، اذیت نمی‌کند.^۲
همچنین امام باقر علیه السلام از جدش پیامبر خدا نقل می‌کند که فرمودند: اگر «خواستگار» دارای تعهد دینی و اخلاق بود، او را بپذیرید.^۳
بالأخره، رسول اعظم بهترین شوهران را با ویژگی «تقوا» توأم با «پاکیزگی» معرفی نمود.^۴

تقوا و پاکی همسر

تقوا و پاکی همسر، استحکام خانواده را دو چندان می‌نماید.
رسول خدا صلی الله علیه و آله می‌فرماید: بهترین همسر، زنی است که با عفت و پاکی زندگی کند و از نفوذ بیگانه در امان باشد.^۵
همچنین بدترین و ضرورت‌ترین همسران، زنی است که تقوا و پاکی لازم نداشته و از گرایش و انحراف به بیگانه اجتناب ننماید.^۶
آن‌گاه حضرت هشدار می‌دهد که جاذبه‌های زنان، «جمال، مال و دین» است. شما بر اساس دین و پاکی آن پیش روید و همسر متدین انتخاب کنید.^۷ همچنین تأکید می‌نماید: نافرمانی از این هشدار، موجب پشیمانی شما می‌گردد؛ زیرا زنان خوش‌سیمای بدون پاکی، گرفتار بداخلاقی می‌شوند و همسران پولدار غیر متدین نیز اسیر غرور و

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۴۷.

۲. طبرسی، مکارم الاخلاق، ص ۲۰۴.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۵۱.

۴. همان، ص ۱۸.

۵. همان، ص ۱۴.

۶. همان، ص ۱۸.

۷. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۹۳.

طغیان می‌گردند.^۱ البته همسر زیبایی که اهل دیانت و پاکی نیز هست، نهایت سعادت و خوشبختی شوهر را فراهم می‌سازد.^۲

امام صادق علیه السلام می‌فرماید: از خدا بخواهید تا همسری به شما قسمت کند که عفت و پاکی درونی داشته، در حفظ ناموس و اموال شوهر سرآمد باشد.^۳

۵. همکاری و همفکری

زن و شوهر خوب، همچنان‌که از نظر قلبی و محبت یکی می‌شوند، باید دست تدبیر و همکاری را به هم دهند و هماهنگ و به طور مشترک حرکت نمایند و امور اقتصادی و سایر نیازها را به جهش و تحوّل وا دارند و بدانند که چنین همکاری‌هایی جهاد مقدّس و موجب پاداش اخروی و خوشبختی دنیوی است.

نقش زن در پیشرفت خانواده

همکاری مشترک زن و شوهر، دوگانگی آنان را به وحدت و همدلی می‌کشاند و نشاط و شادابی می‌آفریند و تلخی‌ها را بی‌رنگ، و شیرینی‌ها را پُررنگ‌تر و شیرین‌تر می‌سازد.

زن خوب با مدیریت دلسوزانه، درآمد شوهر را در نظر می‌گیرد، از اسراف و تجمل‌گرایی دوری می‌گزیند و با لطافت و ظرافت، به اعضای خانواده آرامش و سکون می‌بخشد.

از این رو، پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: زن، یکی از دو کاسب خانواده است؛^۴ یعنی تلاش و کار صحیح همسر در خانواده، تکمیل‌کننده مدیریت و تلاش‌های شوهر می‌باشد.

آن حضرت در سخن دیگر می‌فرماید: با شخصیت‌ترین زن در جامعه، همسری است که با هزینه کمتر زندگی کند.^۵

۱. همان، ص ۲۹۲.

۲. بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۰۱.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۷۹.

۴. بحار الأنوار، ج ۳، ص ۲۳۸.

۵. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۹۱.

آری، نه تنها «زن، نصف موجودی خانواده است»، بلکه کفۀ ترازو به نفع او سنگین - تر است و چنانچه زن با ایجاد شرایط می‌تواند خانواده را مدیریت نماید، شوهر و همه فرزندان را جذب کند.

علی علیه السلام به همین نقش زن اشاره و می‌فرماید: «الولد مطبوعٌ علی أمه»^۱؛ فرزند، بر اساس طبیعت و فرهنگ مادر ساخته می‌شود.»

پاداش کار در خانواده

کار و تلاش در راه خدا و خدمت به مردم و خانواده، بالاترین «عبادت» به شمار می‌آید.^۲ از این رو، امام صادق علیه السلام کار و تلاش جهت خدمت به خانواده را به منزله «جهاد» می‌داند^۳ و امام رضا علیه السلام نیز توفیق خدمتگزاری در این راه را بالاتر از «جهاد فی سبیل الله» دانسته است.^۴

شاید بر این اساس باشد که پیامبر گرامی صلی الله علیه و آله می‌فرماید: کارهای معمولی زنان در نظافت منزل و اصلاح امور آن، باعث رحمت خداوندی و دوری از آتش دوزخ است.^۵ امام باقر علیه السلام نیز فرمود: زنی که به شوهرش یک لیوان آب دهد، ثواب آن، از یک سال عبادت بیشتر است.^۶

در تاریخ آمده است که زنی به نام «اسماء بنت یزید» به نمایندگی از طرف زنان مدینه به حضور پیامبر رسید و گفت: ای رسول خدا! پدر و مادرم فدایت باد، شما پیامبر مردان و زنانی؛ ولی ما زنان از بخشی از عبادات اسلامی همانند: جهاد، نماز جمعه، تشییع جنازه و... محروم شده‌ایم و در محاصره خانه و کاشانه به سر می‌بریم. آیا اجر و پاداش کمتر از مردان را خواهیم داشت؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن تمجید و تجلیل نماینده زنان، فرمود: خوب شوهرداری شما، برابر جهاد مردان است. «اسماء» چون این پیام را شنید، با خوشحالی و تکبیرگویان برگشت...^۷

۱. آمدی، عبدالواحد، غرر الحکم، ص ۷۶، ج ۱۸۶۲.

۲. محمدی ری‌شهری، محمد، میزان الحکمة، ج ۳، ص ۱۷۹۹.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۲، ص ۴۳.

۴. همان.

۵. بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۱.

۶. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۳.

۷. سیوطی، جلال‌الدین، الدرر المثنور، ج ۲، ص ۵۱۸؛ میزان الحکمة، ج ۴، ص ۲۸۶۹.

بر این مبنا، علی علیه السلام در کارهای منزل به یاری همسرش «فاطمه علیها السلام» می‌پرداخت؛ گاهی عدس پاک می‌کرد و گاهی کارهای دیگر انجام می‌داد. رسول خدا صلی الله علیه و آله در تشویق یاری به همسر می‌فرمود: هر کس زنش را در کارهای خانه کمک کند، خداوند به تعداد موی بدنش ثواب عبادت یک سال می‌دهد و او را جزو شهیدان می‌نویسد.^۱

۶. استقلال در زندگی

یکی از عوامل استحکام خانواده، «استقلال فکری در زندگی» مشترک زن و شوهر است.

زن و شوهر در زندگی خویش، باید مستقل باشند و ضمن بهره‌گیری از نصایح و نظرات بزرگان خاندان، از وسوسه‌های دیگران پرهیزند. گاهی خانواده‌های عروس و داماد، به نام خیرخواهی، فرزند خود را بر ضد همسرش تحریک می‌نمایند و پیوند مستحکم آنان را متزلزل می‌نمایند. در چنین شرایطی، زن و شوهر وظیفه دارند که موضوعات اختلافی را با منطق و نگاه دوستانه بررسی کنند و طبق دستور قرآن؛ اختلاف را به آشتی و محبت تبدیل نمایند.^۲ استقلال زن و شوهر می‌تواند در عرصه‌های زیر ظهور نماید:

استقلال فکری

عروس و داماد باید قبل از ازدواج زمینه‌های استقلال فکری و زندگی خویش را پی‌ریزی نمایند، با پدر و مادر و حتی با اشخاص دیگر مشاوره کنند، در مورد کار و زندگی و اداره مشکلات میان خودشان کمک بگیرند، به خدای قادر توکل نمایند و تصمیم بگیرند.

از سوی دیگر، والدین و خاندان دو زوج جوان توجه داشته باشند که وظیفه آنان هدایت و راهنمایی جوانان است؛ نه دخالت در تصمیم و زندگی فرزندان.

۱. بحار الأنوار، ج ۱۰۴، ص ۱۳۲.

۲. نساء، آیه ۱۲۸.

امام باقر علیه السلام می‌فرماید: زنی به محضر پیامبر آمده و عرض کرد: ای رسول خدا! در خانواده، حقوق چه کسی از همه بالاتر است؟ فرمود: پدر، سپس سؤال کرد: بین زن و شوهری پس از ازدواج، چه کسی حق بیشتری به همسر دارد؟ فرمودند: شوهرش.^۱

امام صادق علیه السلام فرمود: شوهری به هنگام عزیمت به سفر، به همسرش گفت: در غیاب من بیرون نرو. پس از شوهر، پدر عروس خانم مریض شد. همسر او جریان را به گوش پیامبر رسانید و کسب تکلیف نمود؟ رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در خانه بنشین و اطاعت شوهر کن. سپس پدر عروس وفات کرد، باز هم جواب همان بود (در خانه بنشین و اطاعت شوهر کن).

رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن زن پیغام فرستاد: خداوند، به جهت فرمان‌بری شما از شوهر، تو و پدرت را مورد بخشش و رحمت قرار داد.^۲

این روایت می‌رساند که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله با آن همه اختیارات شرعی و ولایی،^۳ فرمان شوهر را نقض نکرد؛ یعنی شوهر و همسر باید در تصمیم‌گیری مستقل باشند.

کار و تلاش

راهکار دوم برای رسیدن به خودکفایی و استقلال فکری، «کار و تلاش» است. زن و شوهر با روحیه دادن به همدیگر و با نشاط، تحرک اقتصادی و کاری خود را افزایش دهند.

زنان بیشتر می‌توانند با ایجاد فضای محبت، روحیه کار و رشد شوهران را فراهم سازند.

خدای مهربان وعده داده است که دریای رحمت و فضل خویش را به روی زوج‌های جوان بگشاید^۴ و زحمت آنان را بی‌جواب نگذارد.^۵ پیامبر صلی الله علیه و آله می‌فرماید: یکی

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۱۲.

۲. کلینی، الکافی، ج ۵، ص ۵۱۳.

۳. احزاب، آیه ۶ و ۳۶.

۴. نور، آیه ۳۲.

۵. نجم، آیه ۳۹.

از بهترین صفات مردان این است که با کار و تلاش، زمینه رفاه همسر و فرزندان را فراهم می‌کنند و مانع گرایش و نیازمندی اهل و عیال خویش به دیگران می‌شوند.^۱ آری، کار و تلاش، زمینه رفاه و استقلال فکری را فراهم می‌سازد و از فقر نجات می‌دهد. علی علیه السلام می‌فرماید: «بی‌پولی و نداری، انسان زرنگ را نیز ناتوان می‌کند و زبانش را لال می‌گرداند.»^۲

و در فراز دیگر می‌فرماید: از فقر و نداری به خدا پناه برید؛ زیرا چنین حالتی در مواقعی باعث می‌شود دین انسان تباه گردیده، درک و بینش آدمی از کار افتاده و نگاه دشمنی و بداندیشی مردم فراهم شود.^۳ همچنین در سخنی تأکید می‌کند که مبدا از طریق گدایی و اظهار نیاز به دیگران زندگی کنید که این روش، باب بدبختی و فقر را به روی شما می‌گشاید.^۴

سازگاری و ساده‌زیستی

راهکار سوم برای رسیدن به استقلال فکری، «تدبیر اقتصادی» است. زوج‌های جوان باید با سازگاری و ساده‌زیستی، راه رسیدن به آن را فراهم نمایند؛ یعنی زن و شوهر باید بدانند که اسراف و زیاده‌روی در مراسم عروسی، پذیرایی‌ها، مهریه، جهیزیه و... نه تنها کسی را خوشبخت نمی‌کند، بلکه این رویه‌ها موجب تغییر فرهنگ اسلامی می‌گردد و کاهش ازدواج و گسترش فساد و ناامنی را در پی دارد و خلاف مقررات اسلامی است.^۵ اگر به سیره و سنت نبوی و اهل بیت او مراجعه کنیم، خواهیم دید که فرهنگ موجود ایران معاصر، فرسنگ‌ها با فرهنگ اسلام فاصله دارد و سیره موجود ما کوچک‌ترین شباهتی به فرهنگ اسلام ندارد و دست‌های نامرئی توانسته‌اند چنین مشکلات زیان‌بخشی را به فرهنگ ایران وارد سازند. بر این اساس، پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله ازدواج‌های آسان را سفارش می‌نمود و از هزینه‌های کمرشکن جلوگیری می‌کرد، تا مردم به جای گرفتار شدن به قرض‌های سنگین، با آرامش زندگی کنند.

۱. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۸؛ مکارم الاخلاق، ص ۲۱۶.

۲. نهج البلاغه، ص ۱۰۸۹.

۳. همان، ص ۱۲۳۸.

۴. بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۰.

۵. اسراء، آیه ۲۷؛ شعراء، آیه ۱۵۱.

روزی خانمی به حضور پیامبر رسید و گفت: دوست دارم شوهر کنم. رسول خدا ﷺ یکی از صحابه‌اش را معرفی نمود و مهریه‌اش را آموزش بخشی از قرآن قرار داد و با این آسانی ازدواج صورت گرفت.^۱

جوان دیگری از نداری و بی‌همسری شکوه نمود. رسول اکرم ﷺ مشکل او را با اصحابش در میان گذاشت. یکی از یاران پیامبر عرض کرد: من دختر خوب دارم. آماده-ام وی را به دامادی بپذیرم. بدین طریق، ازدواج آسان دو جوان فراهم شد.^۲

امام باقر علیه السلام نیز تنها هفت دینار به جوان مجردی مرحمت کرد و فرمود: با این مبالغ، زن و زندگی فراهم کن. جوان مجرد بی‌سامان، با آن پول محدود، به خوشبختی رسید و زندگی‌اش را این‌گونه سامان داد، و به زنان و شوهران جوان ما درس زندگی داد.^۳

۷. احترام و اعتماد

اساس زندگی عروس و داماد، بر مبنای «عشق و صفا» گذاشته شده است. در این صورت است که اعتماد و اطمینان فراهم می‌شود، خستگی و پژمردگی، به سکون و آرامش تبدیل می‌گردد. زیربنای چنین فضای ارزشمندی، احترام متقابل شوهر و همسر است.

قرآن دستور می‌دهد با زنان خود، شایسته و نیکو رفتار نمایید^۴ و محیط خانواده را به فضای محبت و مودت تبدیل سازید.^۵ رسول خدا ﷺ فرمود: «همسر، دلبر و معشوق شوهر است. هر کس زن بگیرد، او را نوازش نموده و خواسته‌های طبیعی‌اش را نادیده نگیرد.»^۶

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۸۰، ح ۵.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۲۵.

۳. حمیری، قرب الاسناد، ص ۱۱.

۴. نساء، آیه ۱۹.

۵. روم، آیه ۲۱.

۶. الکافی، ج ۵، ص ۵۱۰.

حضرت در فراز دیگر، تأکید می‌کند که مرد، محبت خویش را با زیباترین کلام ابراز کند و بگوید: «تو را دوست دارم.» این برخورد محبت‌آمیز، پیوسته دل عروس را تسخیر می‌کند.^۱

از طرف دیگر، زنان وظیفه دارند که با آراستگی ظاهری و با عشق دل شوهر را تسخیر کنند. رسول خدا ﷺ فرمود: بهترین همسر، زنی است که شوهرش را خیلی دوست داشته باشد^۲ و با ظرافت و لطافت هنری و زنانگی، دل او را همراه خویش بنماید.^۳

اجتناب از تحقیر و تنبیه متقابل

از بحث‌های پیشین نتیجه گرفتیم که عروس و داماد، هر دو امانت خدا در دست یکدیگرند و باید با تمام محبت و صفا زندگی کنند.

بنابراین، تحقیر و تنبیه متقابل زن و شوهر، سرآغاز طوفان ویرانگر زندگی و فروپاشی خانواده است. از این رو، علی علیه السلام می‌فرماید: در هر حال، با همسران خود به مدارا و خوشی رفتار کنید، تا زندگی‌تان با نشاط باشد^۴ و پیوسته با کلام زیبا سخن گوئید، تا متقابلاً جواب زیبا بشنوید.^۵

برطرف نمودن کدورت‌ها

اگر عروس و داماد هر کدام احساس کند که دل همسر او در جای دیگر است، بروز محبت‌های ظاهری بیان الفاظ کاذب فریبنده، در تأمین اعتماد و جذب درونی کاربردی نخواهند داشت.

دامادهای جوان مواظب باشند که در معاشرت‌های خویش با نامحرم و حتی با محارم ویژه، کاری نکنند که همسرانشان حساس شوند. همچنین عروس‌خانم‌ها بدانند که شوهرانشان نسبت به عملکرد آنان حساس‌اند. در برخورد با مردهای بیگانه،

۱. همان، ص ۵۶۹.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴، ح ۲؛ بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۳۵.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۳۲۶.

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۰.

۵. غرر الحکم، ص ۱۳۹.

رفتارهای تردیدآمیز و وسوسه‌انگیز نداشته باشند که در این صورت، پایه‌های محبت گسسته و اعتماد و اطمینان بر باد خواهد رفت.

در تاریخ صحابه پیامبر آمده است که روزی آنان در محضر آن حضرت نشسته بودند. ناگاه زنی وارد شد و گفت: ای رسول خدا! من کار خلاف اخلاق انجام داده‌ام. مرا کیفر کن. در این اثنا، همسر او دوان دوان آمد و گفت: ای پیامبر خدا! این زن، همسر من است. من با کنیز خود خلوت کرده بودم. او تحمل نکرد و به این واکنش نامناسب دست زد. پیامبر فرمود: مواظب حساسیت زنان باشید. بی‌تحملی آنان در این مورد، آنان را به بی‌عقلی می‌کشاند.^۱

اگر بی‌اعتمادی‌ها و گله‌مندی‌ها پیش آمد، با یکدیگر صحبت کنند، زمینه‌های کدورت و دل‌چرکینی‌ها را برطرف کنند، از لغزش‌های احتمالی بگذرند، عذر و تقصیر همدیگر را بپذیرند و بدانند که سخت‌گیری‌های بی‌مورد، در روابط عروس و داماد خطرآفرین است.^۲ پیامبر اسلام ﷺ هشدار می‌دهد: هر روز فرشتگان آسمانی به زنان و مردان تذکر می‌دهند: مبادا زنان بر شوهران و یا شوهران بر همسرانشان بدی کنند و زندگی با صفا و محبت‌آمیز خویشتن را به جهنمی سوزان تبدیل نمایند.^۳

۸. تأمین نیازهای جنسی

یکی از اهداف اصلی ازدواج، تأمین نیازهای جنسی زن و شوهر است. هر چه این گزینه، ظریف‌تر و مناسب‌تر انجام شود، عشق و علاقه عروس و داماد مستحکم‌تر، و پشتوانه خانواده قوی‌تر خواهد می‌گردد. بر این اساس، زن و شوهر باید نیازهای جنسی یکدیگر را تأمین کنند. داده‌های آماری نشان می‌دهد که یکی از عوامل مهم چالش‌زایی و طلاق در خانواده‌ها، عدم تأمین گزینه جنسی است.

علی علیه السلام فرمود: «حَسَنُ الصُّورَةِ أَوَّلُ السَّعَادَةِ؛^۴ قشنگی و زیبایی چهره و تناسب اندام، نخستین پایه سعادت است.»

۱. الکافی، ج ۵، ص ۵۰۵.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۸.

۳. میزان الحکمة، ج ۴، ص ۲۸۷۶، ح ۱۸۶۶۵.

۴. غرر الحکم، ص ۳۷۶.

پیامبر ﷺ نیز می‌فرماید: بهترین زنان امت اسلامی، زنی است که چهره و اندامش مطلوب و مهریه‌اش کمتر باشد.^۱

امام رضا علیه السلام نیز فرمود: از سعادت و خوشبختی انسان، این است که با همسر زیبا و دل‌آرام عروسی کند.^۲

قرآن به شوهران تأکید می‌کند که در هیچ شرایطی همسران خویش را از لذایذ جنسی و عواطف محبت‌آمیز محروم نکنند؛ حتی در حال رنجش نیز، نباید مسائل زوجیت فراموش گردد.^۳ هم چنین در هیچ حالی نباید احسان و نیکی به زن را از یاد برد؛ مرد، باید آن‌گونه که شایسته است، با او زندگی کند یا به نیکی و خوشی رهاش کند.^۴

علی علیه السلام می‌فرماید: طبیعت زن، شوهردوستی و شوهرخواهی است و به طور غریزی، تمایلات جنسی او پر رنگ است.^۵ از این رو، زنان را بیشتر ملاحظه و مراعات کنید؛ زیرا آنان در مواردی عهد و پیمان را نادیده می‌گیرند و به هنگام نیازمندی، دین و تقوا را کنار می‌گذارند. فقط بر محور تأمین شهوات نفسی می‌چرخند و خوبی‌ها را فراموش نموده، تلخی‌ها را از یاد نمی‌برند. در هر حال با آنان مدارا کنید، تا مسیر نیک را دنبال نمایند.^۶

آراستگی و آمادگی

حضرت حق، جلوه زیبای‌ها است و زیبایی و آراستگی را دوست دارد و از بندگانش، به‌ویژه زن و شوهر می‌خواهد همیشه زیبا و آراسته باشند.^۷ آفرینش و عالم هستی، از نگاه حقیقت، همگی زیبا است.^۸ بنابراین، زیبایی و زیبادوستی، یک حقیقت روشن است و باید به آن توجه داشت.

۱. الکافی، ج ۵، ص ۳۲۴.

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۳۶.

۳. نساء، آیه ۱۲۹.

۴. بقره، آیه ۲۲۹.

۵. بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۵۸.

۶. همان، ص ۲۵۳؛ وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۹.

۷. الکافی، ج ۶، ص ۴۳۸.

۸. سجده، آیه ۷.

ویژگی خودآرایی، در نهاد زنان نهفته است؛ آنان پیوسته خویشان را می‌آریند و از این طریق، بر سکون شوهر کمک می‌کنند.

اگرچه اسلام بر نظافت و تزئین آنان برای شوهرانشان تأکید نموده است، اما بر آراستگی مردان نیز تأکید کرده است. رسول خدا می‌فرماید: ای مردم! ژولیده نباشید، لباس‌های خویش را تمیز نموده و پاکیزه نگهدارید، سر و صورت‌تان را اصلاح کنید، مسواک بزنید و معطر باشید، زینت و نظافت را فراموش نکنید. مردان بنی‌اسرائیل این دستورات حیات‌بخش دین را نادیده گرفتند و زنانشان به فساد کشیده شدند.^۱

پیامبر اعظم ﷺ در سخنان دیگر، همه شوهران را موظف می‌سازد که با لباس و بدن پاکیزه، و با قیافه مطلوب به سراغ زنانشان بروند و خواسته آنان را برآورده کنند و زمینه هر گونه انحراف را از آنان بگیرند.

در فراز دیگر، می‌فرماید: شوهران وظیفه دارند آن طور نظیف و آراسته باشند که دوست دارند همسرانشان آن گونه باشند.^۲

در حالات امام موسی بن جعفر علیه السلام آمده است که آن سرور خیلی آراسته بود و در بیان علت آن می‌فرمود: آراستگی و نظافت شوهران، موجب پاکی و عفت همسران می‌گردد و بخشی از بی‌عفتی زنان، از ژولیدگی و نامرتبی شوهران ریشه می‌گیرد.^۳

بخش عمده اختلاف زن و شوهر، طبق آمارهای رسمی کشور، ریشه جنسی دارد. اگر این وظیفه و حقوق متقابل، درست و ظریف عمل شود، استحکام خانواده قوت بیشتری پیدا نموده، به هر بادی نمی‌لرزد.

اگرچه زنان از نظر طبیعی عاشق شوهران و امور جنسی می‌باشند^۴ و به طور غریزی قوی‌تر از مردان‌اند، ولی گاهی عواملی پیدا می‌شود که زنان را نسبت به امور جنسی

۱. نهج الفصاحه، ص ۷۲.

۲. مستدرک الوسائل، ج ۲، ص ۵۵۹.

۳. الکافی، ج ۵، ص ۵۶۷.

۴. همان، ص ۳۳۷، ح ۵: «إِنَّ النِّسَاءَ هُمَّنَ الرَّجَالُ».

۵. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۴۱، ح ۱۰: «فَضَّلَتِ الْمَرْأَةُ عَلَى الرَّجُلِ بِتِسْعَةٍ وَتِسْعِينَ مِنَ اللَّذَّةِ، وَلَكِنَّ اللَّهَ التَّقَى عَلَيْهَا

الحیاء.»

بی‌رغبت نموده و چنین تلقی می‌گردد که زنان آمادگی را لازم برای تأمین شوهران ندارند.

گفتنی است که در چنین موارد، باید ریشه‌های نارسایی را از بین برد؛ مانند این که از کارهای سنگین منزل، مشاغل اداری و کارمندی و کارگری، بداخلاقی و استرس‌های روحی و پرهیز نمود.

در هر حال، زن موفق، زنی است که در تأمین خواسته‌های به‌حق و نیازهای جنسی شوهر غفلت ننماید. قرآن زنان را به کشتزار و باغ و بوستان تشبیه می‌کند که صاحبش در چهارچوب شرعی به هر نوعی می‌تواند از آن بهره‌مند شود.^۱

پیامبر اسلام ﷺ نیز می‌فرماید: زن خوب، زنی است که نسبت به بیگانه عقیف و پاکدامن باشد؛ ولی در برابر شوهرش شهوی و شوهردوست باشد.^۲ آن‌گاه در مورد وظیفه زن نسبت به تأمین حقوق جنسی شوهر می‌فرماید: زن وظیفه دارد که با بدن و لباس معطر و پاکیزه، توأم با آرایش و آراستگی کنار شوهر باشد و با ظرافت خاص، آمادگی خویش را در تمام ساعات مناسب اعلان نماید.^۳

امام صادق (ع) نیز در این باره می‌فرماید: زن آگاه و شایسته، همسری است که در خلوت شرم و حیا را کنار بگذارد و با تمکین کامل در اختیار شوهر قرار گیرد و سپس با پوشش لباس، شرم و حیا را نیز بپوشد و با ادب کامل برخورد کند.^۴

۹. نقش فرزند در استحکام خانواده

یکی از آرزوهای طبیعی هر زن و مرد، داشتن فرزند صالح می‌باشد. وجود فرزند، موجب صمیمیت و عامل قوی در پیوند آنان است.

امام صادق (ع) می‌فرماید: «فرزند شایسته، عامل خوشبختی هر انسان است.»^۵

۱. بقره، آیه ۲۲۳: «نِسَاؤُكُمْ حَرْثٌ لَّكُمْ فَأَتُوا حَرْثَكُمْ أَنَّى شِئْتُمْ.»

۲. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۵، ح ۷: «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الْعَقِيفَةُ الْعَلِمَةُ.»

۳. الکافی، ج ۵، ص ۵۰۸، ح ۷: «عَلَيْهَا أَنْ تَطَيَّبَ بِأَطْيَبِ طَيِّبِهَا، وَتَلْبَسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهَا، وَتَزَيَّنَ بِأَحْسَنِ زِينَتِهَا، وَتَعْرِضَ نَفْسَهَا عَلَيْهِ غُدُوَّةً وَعَشِيَّةً، وَأَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ حَقُوقَهُ عَلَيْهَا.»

۴. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴، ح ۳: «خَيْرُ نِسَائِكُمُ الَّتِي إِذَا خَلَّتْ مَعَ زَوْجِهَا، خَلَعَتْ لَهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ، وَإِذَا لَبَسَتْ، لَبَسَتْ مَعَهُ دِرْعَ الْحَيَاءِ.»

۵. همان، ص ۹۷، ح ۴: «مِنْ سَعَادَةِ الرَّجُلِ الْوَالِدُ الصَّالِحُ.»

امام حسن عسکری علیه السلام نیز می‌فرماید: «فرزند، بازوی پُرتوان خانواده است و کسی که فرزند ندارد، ذلیل و ناتوان است.»^۱

امام سجّاد علیه السلام نیز می‌فرماید: «از عوامل خوشبختی خانواده این است که فرزندان داشته باشند که از آنان در جهت پیشرفت [و استحکام] خود استفاده نمایند.»^۲

هم چنین امام علی علیه السلام فقدان فرزند را موجب «شکستن کمر» و «زخم دردناک» توصیف می‌کنند.^۳

تأثیر فرزند در خانواده سبب گردیده است که اسلام به ازدواج اهمیّت خاص داده است. رسول خدا صلی الله علیه و آله ضمن اشاره به این موارد،^۴ تأکید می‌کند که ضمن مراعات اوصاف دیگر، حتماً زن زایا بگیرید و ارزش اصلی همسر، به داشتن بالقوه فرزند رسول اکرم صلی الله علیه و آله در حدیث دیگر نیز می‌فرماید: «هر کس دوست دارد پیرو سیره و سنّت من باشد، ازدواج کند و صاحب فرزند باشد؛ زیرا من به زیادی امتم افتخار می‌کنم.»^۵

آن حضرت در سخنی دیگر، بچه‌دار شدن زن را از جمله اوصاف ارزشمند همسر دانسته،^۶ زن نازا و «عقیم» را «موجود شوم» معرفی می‌کند^۷ و دوران بارداری را، دوران جهادگری در حال نماز و روزه توصیف می‌نماید.^۸

فرزند صالح، آرزوی پیامبران

بررسی آیات قرآن و احادیث اسلامی نشان می‌دهد که تولید فرزند و تکثیر نسل شایسته، خواسته خدای حکیم و آرزوی هر فرد عاقل و تمام زنان و مردان است.

۱. همان، ص ۹۹.

۲. الکافی، ج ۶، ص ۲.

۳. غرر الحکم، ص ۷۶۳.

۴. کنز العمال، ج ۱۶، ص ۲۹۳.

۵. الکافی، ج ۵، ص ۳۳۳.

۶. بحار الأنوار، ج ۱۰۳، ص ۲۱۸.

۷. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۴.

۸. همان، ص ۳۳.

۹. همان، ج ۱۵، ص ۱۷۵.

خداوند می‌فرماید: «وَأَذْكُرُوا إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرَكُمُ»^۱ به یاد آورید زمانی را که کم بودید و خداوند زیادتان کرد.»
واژه «أذكروا» در این آیه، نشان سپاس‌گزاری در اثر زیاد شدن و گسترش نسل است.

همچنین قرآن کریم از زبان اولیای خدا می‌گوید:
«رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ أَعْيُنٍ وَاجْعَلْنَا لِمَنْتَقِينَ إِمَامًا»^۲ پروردگارا! از همسران و فرزندانمان، چشم‌روشنی قرار ده و ما را پیشوای پرهیزکاران گردان.»
هنگامی که حضرت یوسف علیه السلام با برادرش «بنیامین» ملاقات کرد و از فرزندان شایسته او مطلع شد، از او پرسید: چگونه این همه اولاد نیک فراهم ساختی؟ «بنیامین» - همان گونه که امام صادق علیه السلام نیز فرموده - اظهار داشت: «إِنَّ أَبِي أَمَرَنِي وَ قَالَ: إِنْ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَكُونَ لَكَ ذُرِّيَّةٌ تَنْقُلُ الْأَرْضَ بِالتَّسْبِيحِ فَافْعَلْ»^۳ پدرم، حضرت یعقوب، دستور داد: اگر بتوانی با نسل سالم و اولاد شایسته روی زمین را پر از فرزندان خداپرست بنمایی، کوتاهی نکن.»

حضرت ابراهیم علیه السلام با این‌که پیر بود از خدا خواست: خدایا! فرزند صالحی برایم مرحمت کن.^۴ خدا «اسماعیل و اسحاق» را به او ارزانی داشت.
ابراهیم علیه السلام سپاس‌گزاری نمود و گفت: خدایا! سپاس به درگاهت که در دوران پیری‌ام دو فرزند نازنین به نام «اسماعیل» و «اسحاق» به من مرحمت کردی.^۵
همچنین زکریای پیامبر علیه السلام از خدا فرزند صالح و «ذریة طیبه» طلب کرد^۶ و گفت: خدایا! در اثر پیری استخوانم سست و نرم شده، موهایم سفید گشته؛ ولی فرزند می‌خواهم تا یادگار من و آل یعقوب گردد.^۷

۱. اعراف، آیه ۸۶.

۲. فرقان، آیه ۷۴.

۳. وسائل الشیعه، ج ۱۵، ص ۹۵.

۴. صافات، آیه ۱۰۰-۱۰۱.

۵. ابراهیم، آیه ۳۹.

۶. آل عمران، آیه ۳۸.

۷. مریم، آیه ۱-۱۵.

خداوند نیز فرزند شایسته‌ای به نام «یحیی» به او داد.^۱
آری، فرزندخواهی، آرزوی همه اولیا است. که به فرمایش علی علیه السلام محروم شدن از
فرزند، جگرسوز و ناگوار است.^۲

۱. مریم، آیه ۷.

۲. غرر الحکم، ح ۶۵۴۲؛ میزان الحکمة، ج ۴، ص ۳۶۶۸.